

تاریخ و تاریخ‌گاری

نهضت انقلابی قرامطه

سید کاظم روحانی

نهضت اسماعیلیه ایران را قرمطی دانسته‌اند و این لقب را به عنوان یک حربه دینی به مثابه ملحده و عاصی بکار می‌بردند. و چه بس ارجال و بزرگان دین و دولت را به اتهام انتساب به قرامطه از میدان سیاست بیرون کردند، چنانچه حسنک وزیر، از وزیران لايق غزنوی را به بهانه ارتباط با فاطمینان و داشتن تمایلات قرمطی در شهر بلخ به دارآویختند.^(۱) و به معنی اخص، قرامطه، نهضت انقلابی ابوسعید گناوی و یا جنابی است که علیه خلافت عباسی بشورید و حرکتی را در جنوب ایران رهبری نمود. در این اوراق، پیش از آنکه در باب کیفیت قیام واحوال و سرانجام ابوسعید گناوی سخن رود بجاست ابتداء، ابعاد اجتماعی، تاریخی و فکری اندیشه قرمطیان مورد ارزیابی و تبیین قرار گیرد.

* یادآوری این نکته ضروری است که به مصداق «الفضل للمنتقد» کار بنیادی و اساسی در زمینه قرامطه را استاد عالیقدر پرسفسور برنارد لوئیس انجام داده‌اند و این کمترین، از ساحت پرفصل ایشان استفاده کامل برده و این نکته را بدان جهت نوشت تا امانت علمی رعایت شده باشد که کمترین فایدات آن حرمت به اصحاب قلم است، چه در این ایام استتساخ از نوشتمناهای دیگران بدون ذکر مأخذ و مراجعت، رواج تمام دارد. و شایسته است اریاب علم و تحقیق در این خصوص اندیشه کشند و تدبیری اتخاذ نمایند.

تعهد و اعتذار بخش اول و دوم مقالات تحلیلی بر نهضتهاي سیاسي- دینی ایران، در مجله وزین کیهان اندیشه از سواد به بیاض آمد^(۲) و در مقدمه آن^(۳) اصول و فضول کلی مطالبی که تحریر خواهد گشت، یادشده است. از آنجا که مسودات این مقالات در سال گذشته فراهم آمده بود و نگارنده در این مدت یادداشتها و اطلاعات تازه‌تری بدست آورد، لذا بخش مریوط به نهضت انقلابی قرامطه را باتوجه و اشراف به مطالب یادشده در مقدمه به قلم آورده است.^{*}

لازم به تذکر است که نگارنده، کتاب‌شناسی نهضتهاي سیاسي- دینی ایران تا مشروطیت را در دست اتمام دارد و در اختیار خوانندگان مدقق قرار خواهد داد.

همه حرکتها و قیامهایی که از قرن سوم هجری به بعد در ایران، بین النهرين، شام و شمال آفریقا روی داده، به معنی اعم، قرامطه لقب گرفته است. در حقیقت، قرمطی مفهوم و یا جزیران و یا لقب همگانی قیامها و جنبشهايی است که در گوش و کنار سلاطین اسلامی علیه خلافت عباسی روی داده است.

عباسیان حرکتهاي دینی- سیاسي فاطمینان،

۵) جهت فکری و فلسفی؛ در این خصوص، ارتباط اندیشه‌های قرامطه است با مسائلهای به نام امام و امامت که بعد از این جریان، سخت مورد عنایت اسماعیلیان و فاطمیان و طرفداران حسن صباح قرار گرفت^{۱۰} و فاطمیان در تلاش بودند که خود را منسوب به خاندان پیامبر بنمایند.

نهضت قرامطه به مناسبت شور انقلابی و مخالفت و مجابهه با خلافت عباسی و زمین‌داران بزرگ واستفاده از مسائلهای به نام امامت، سخت مورد توجه روستاییان و شهریان استمدیده قرار گرفت و مضافاً اینکه داعیان این نهضت، در تبلیغ اندیشه‌های خود سخت‌کوش و مقاوم بودند.

البته در میان گروههای مختلف قرامطه، اختلاف اندیشه، موجود بود و فاطمیان مصر که خود را شیعی هفت‌امامی و منسوب به اسماعیل فرزند امام جعفر صادق^{۱۱} می‌دانسته‌اند، با روش‌های افراط‌گرایانه

* از یکی اندیشه سیاسی و حکومتی خواجه نظام‌الملک، از نظر سیر تاریخی قدرت و حکومت در ایران قابل تأمل و تعمق است. سیر الملوك یا سیاست‌نامه که منسوب به نظام‌الملک است، در واقع، توجیه‌گر مبانی دینی حکومت عباسیان است و استیلای سلاجقه بر ایران، و اینکه این کتاب از نوشت‌های خواجه و یا منسوب به وی است هموز جای بحث بر جاست بدون شک مقایسه اندیشه‌های نظام‌الملک با محتويات فاووس‌نامه و دیگر آثاری که در زمینه تدبیر مملک و مملکت به قلم آمده بی‌تفاوت نخواهد بود. در این خصوص مراجعه شود به:

(الف) ابوعلی حسن بن علی خواجه نظام‌الملک، سیاست‌نامه یا سیر الملوك، با تصحیح محمد قزوینی با تصحیح مجدد مرتضی مدرس چهاردی، تهران، انتشارات زوار. ب) سید جواد طباطبائی، درآمدی فلسفی بر تاریخ اندیشه سیاسی در ایران، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۶۷. ج) محمد جواد صاحبی، اندیشه اصلاحی در نهضت‌های اسلامی، تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۶۷.

(د) محمد حمیط طباطبائی، تطور حکومت در ایران بعد از اسلام، تهران، انتشارات بعثت، ۱۳۶۷.

(۵) اسماعیلیان قبل از حسن صباح هم در ایران فعال بودند و حسن صباح، حركت اسماعیلیه را به صورت یک سازمان سیاسی- دینی منظم درآورد.

ابعاد نهضت قرامطه

۱) **جهت سیاسی:** نهضت قرامطه قیامی بوده است علیه خلافت عباسی و در حقیقت ادامه نهضت صاحب الزنج و به روایت مورخان، میان صاحب‌الزنج و ابوسعید گناوه، مراده و ارتباط برقرار بوده است.

قیام ابوسعید گناوه هدف شرمندای حکومت عباسیان و تأسیس حکومت مستقل بر بنیان عدالت و مساوات اجتماعی بوده است و قیام ابوسعید چنانچه گفته آید سالیانی چند خلافت بغداد را بخود مشغول داشت و حتی تجاسر را بدانجا رسانید که حرمت حریم خانه کعبه را رعایت ننموده و درب خانه کعبه را شکسته و به اینه و آزار حجاج پرداختند.

۲) **جهت دینی:** قرامطه منسوب‌اند به حمدان قرمط که از طرفداران اسماعیل فرزند امام جعفر صادق^{۱۲} بوده است که توضیح آن بیاید.

۳) **جهت تاریخی:** عباسیان با حمایت پارهای از فقیهان و برای توجیه حکومت نامشروع خود هر حركت ضد خلافت را قرمطی نامیده و بدین سان، در بستره تاریخ ایران اسلامی، قرمطی لقبی شد برای همه کسانی که علیه ظلم و جور عباسیان می‌شوریده‌اند. و حتی دولتمردانی چون خواجه نظام‌الملک، قرامطه را در دردیف زنادقه، ملاحده و غیره می‌داند.

نظام‌الملک و طرفدارانش با حمایت سیاسی سلطان سلجوقی، نه فقط بر تشكیلات اداری - سیاسی سلجوقیان مسلط شدند، بلکه با هر گونه حرکتی که منابع اقتصادی و مادی آنان را به خطر اندازد مخالفت می‌نموده‌اند^{۱۳}. در حقیقت، خواجه نظام‌الملک حركت اسماعیلیه را ادامه حركت قرامطه و آن را هم ادامه نهضت خرمیه (بابک خرم دین) می‌داند.

۴) **جهت اجتماعی:** اهمیت نهضت قرامطه بیشتر به سبب حضور مردم خصوصاً فلاجین و کشاورزان و پارهای از گروههای شهری مانند پیشوaran و صنعتگران بوده است.

قرار گرفت و بدین سان در سرتاسر بلاد اسلامی حرکتی به نام نهضت قرامطه پا گرفت که حکومتهای وقت را مدت‌ها بخود مشغول ساخت.^(۵) مسأله امامت یک اندیشه اصیل اسلامی است، و حتی رهبریت جامعه و نقش رهبران در هدایت مردم مورد تأیید محققان مسائل اجتماعی است. اصالت اعتقاد به امامت به تبییع ائمّه عشیره مربوط می‌شود، اما عباسیان هم برای براندازی بنی‌امیه از مسأله امامت سوءاستفاده نموده و دعوت خود را «الرضا لآل محمد» لقب دادند و بدیهی است مردم ایران خصوصاً اهالی خراسان بزرگ که از ستم بنی‌امیه بجان آمده بودند تا لحظات تحقق قیام از رهبری قیام اطلاعی نداشتند. همچنین قرامطه و بعدها فاطمیان و اسماعیلیان ایران از مسأله امامت به عنوان محور اعتقادات سیاسی- دینی خود استفاده نمودند. فاطمیان و اسماعیلیان خود را امامان حاضر می‌دانستند، اما اینکه چگونه مسأله امامت اسماعیل فرزند امام جعفر صادق^(۶) مطرح شده، قابل تأمل است. چه در اندیشه‌ای قرامطه اول، افکار مانوی، زروانی و مسیحی دخالت داشته است، مثلاً قرامطه آسیای مرکزی تحت تأثیر مانویان بودند که در میان ترکان اویغور رواج داشت.

در این اوراق محدود مقاله مقایسه همه اندیشه‌ایان قرامطیان نیست. و نباید از یاد برد که عصر ظهور اندیشه‌ایان قرامطیان مصادف بوده است با ورود فلسفه یونانی و رواج نهضت ترجمه و آزادی عقیده و اندیشه و حتی تبلیغ طرفداران مانوی در بغداد و دیگر شهرهای بین‌النهرین.

از پیش‌کسوتان اولیه نهضت قرامطه، عبدالله بن میمون اهوایی، حمدان قرمط، کاتب و عبدان بودند.

* طرفداران اسماعیل، فرزند امام جعفر صادق^(۷) به اسماعیلیه اول معروف گردیدند، و طرفداران حسن صباح، به اسماعیلیه دوم یا اسماعیلیه ایران.

قرامطیان مخالف بودند و حتی از آنان تبری جستند. نهضت قرامطه، از بدو تکوین و تشکل در ایران، بین النهرین، ترکستان، شمال آفریقا، پنجاب هند، و یمن رسخ یافت و در بعضی مناطق دست به تأسیس حکومت زدند که به پارهای از آنان اشاره می‌رود:

- ۱) قرامطه بحرین یا نهضت ابوسعید گناوه.
 - ۲) فاطمیان مصر.
 - ۳) نهضت صاحب‌الجمل در ۲۹۰ هجری در شام.
 - ۴) نهضت حسن صباح در ایران.
- شگفتی اینجاست حتی پارهای از نحلمه‌ها و حرکتهای فکری مانند اخوان‌الصفا هم از طعن و لعن متقدشان در امان نماندند و لقب قرمطی گرفتند. جدال حاکمیت وقت با نهضت قرامطه در چند محور بود:

الف: مسأله امامت، یعنی نفی خلافت عباسی و مبارزه با آن به عنوان دولت جائز و ظالم.

ب: مسأله مهدویت، که اصالت این حرکت تعلق به تبییع ائمّه عشیره دارد و اعتقاد به قیام قائم (عج) که خلافت از مسأله مهدویت با توجه به بشارتهای ولادت امام دوازدهم سخت هراستاک بود.

ج: مشارکت انبیوه مردم در نهضت قرامطه، خصوصاً روستاییان و کشاورزان و پیشوaran که از دادن مالیات به دولت خودداری می‌نموده‌اند.

قرامطه قبل از نهضت ابوسعید گناوه همه دولتهای قرامطه از نظر فکری و اعتقادی بر می‌گردند به جنبش اسماعیلیه اول^(۸) یعنی طرفداران اسماعیل فرزند امام جعفر صادق^(۹)، که به نص صریح متون تاریخی در مدینه وفات یافت و امام صادق^(۱۰) چون از دسائی و دستان مخالفان آگاه بود، جسد اسماعیل را در معرض مشاهده مردم مدینه قرار داد تا همگان از مرگ وی آگاهی یابند. بعدها همین اسماعیل به نام امام غائب و یا امام مستور در نزد قرامطه مورد قبول

عبدالله بن میمون اهوازی، ابو الخطاب، حمدان و عبدان کاتب و محمد بن حسین دندان را از پیشگامان نهضت قرامطه می‌دانند.^(۷)

معنی و مفهوم کلمه قرمط: در زمینه معنای کلمه قرمط، میان اصحاب تحقیق، اتفاق رأی و نظر نیست. پاره‌ای از نویسنده‌گان قرامطه را منسوب به حمدان قرمط می‌دانند که چون وی پاهایش کوتاه بود و یا اینکه قدمها را به تائی و آهستگی بر می‌داشت قرمط، و طرفدارانش را قرمطی می‌خوانند. گروهی گفتند قرمطی کلمه‌ای است آرامی به معنای حیله گر و مکار و یا اینکه گفتند قرمط از ریشه کرمیته است که در زبان نبطی به معنی «سرخ چشم» می‌باشد. و گروهی کلمه قرمطی را سریانی می‌دانند به معنی کشاورز و فلاح، بدان جهت که اکثر طرفداران قرامطه، از کشاورزان و روستاییان بوده‌اند^(۸) و احتمالاً روایت اخیر صحیح تر به نظر می‌رسد.

نهضت ابوسعید گناوه یا انقلابیون بحرین^(۹)
نهضت انقلابی ابوسعید گناوه ادامه نهضت صاحب الزنج بوده است و ظاهرآ میان حمدان قرمط و علی بن محمد صاحب الزنج مکاتبات و مراودات برقرار بوده و طبری به این مهم اشاره دارد^(۱۰) و این نهضت به نام قرامطه بحرین در متون تاریخی یاد شده است. در حقیقت قیام صاحب الزنج و مقاومت کشاورزان، بردگان و روستاییان، علیه خلافت بغداد، زمینه را برای مبارزات ابوسعید گناوه فراهم ساخت و در این میان علل و عواملی چند در تحقق نهضت ابوسعید گناوه دخالت داشته است:

- الف: مبارزه با خلافت عباسی.
- ب: تأسیس حکومت مردمی.
- ج: رفع مشکلات اقتصادی و نابرابریهای اجتماعی.
- از زمان قتل ابومسلم خراسانی، بر ایرانیان روش شده بود که عباسیان بنای کارشان را بر نیرنگ، خیانت

عبدالله میمون قداح اهوازی با افکار و اندیشه‌های مختلف آشنا بود و اعتقادات وی ترکیبی بود از عقاید اسلامی، مسیحی، زردشتی و دیسانیان و حتی مانویت. و به همین جهت مبانی اعتقادی بستان گذاران قرامطه در پرده ابهام قرار دارد و ظاهرآ این قداح در زمان مأمون تظاهر به تشیع می‌نمود. و این امر استبعادی ندارد، زیرا مأمون خود نسبت به خاندان پیامبر به ظاهر ابراز علاقه می‌نمود، ولی در عمل حرکت شیعیان را سرکوب می‌کرد. عبدالله بن میمون اهوازی را که از بانیان نهضت قرامطه است بدان جهت قداح می‌گفتند که در جراحی چشم مهارت داشت.

محور اصلی اندیشه‌های قداح عبارت بودند از:
۱- آزادی کل انسانها: (این امر ریشه در اعتقاد مانویت داشت).

۲- آزادی عقاید: دهربان و زنادقه بغداد طرفدار آزادی عقیده بودند.

۳- تساوی حقوق اجتماعی و سیاسی: احتمالاً از اندیشه‌های خوارج.

۴- اعتقاد به مهدی و مهدویت: اصالت این اندیشه اختصاص به تشیع اثنی عشری دارد.
از جمله شخصیت‌های دیگر قرامطه، حمدان قرمط بوده است که با عبدان کاتب همکاری داشت، وی از شاگردان عبدالله بن میمون اهوازی بشمار می‌آمد. عبدان کاتب از داعیان بزرگ قرامطه بود و داماد حمدان قرمط و استاد و معلم ابوسعید گناوه رهبر نهضت قرامطه بحرین.

گفتنی است که حمدان قرمط از طرفداران اسماعیل فرزند امام جعفر صادق^(۱۱) بشمار می‌آمد و بدین سان ارتباط قرامطه اولیه با اسماعیل، قابل تأمل و در عین حال میهم است. ظاهرآ قرامطه اولین را مبارک کیه هم می‌نامیدند، بدان جهت که مبارک مولای محمد بن اسماعیل بوده و امامت او را پذیرا شده بود.^(۱۲)
مبارک مولای محمد بن اسماعیل بن صادق^(۱۳)

اعمال و برنامه فرمطیان بحرین، نشان می‌دهد که آنان در تساوی حقوق و اجرای عدالت بی‌علاقه نبوده‌اند، اگر چه برخی از کارهایشان از جمله اهانت به خانه کعبه، نفرت و خشم مسلمانان آن روز را برانگیخت و عباسیان با سیاست و کیاست و با حریبه تبلیغ، این عمل قرامطه را به عنوان اهانت به دین و شمارالسی‌هی تلقی نموده و از هیچ‌گونه تبلیغی علیه قرامطه خودداری ننمودند.

سخن در باب اندیشها و افکار ابوسعید گناوی چندان آسان نیست. ظاهراً اعتقادات قرامطه بحرین تلفیقی از باورهای مسیحی، سریانی، مجوسي، و اسلامی بوده است، و در این میان سخن ناصر خسرو قبادیانی درباره ابوسعید گناوی قابل تأمل است که می‌نویسد وی وعده بازگشت بعد از مرگ را به مردمان می‌داد و ادعای مهدویت می‌نمود.^(۱۲)

البته اندیشه مهدویت در افکار صاحب الزنج هم مشاهده گردیده است. در آن زمان اکثر مردم در انتظار ظهور مهدی بوده‌اند. در زمان امامت امام حسن العسكري^(۱۳) و تکذیب قیام صاحب الزنج نشان می‌دهد که از اندیشه مهدویت سوء استفاده هم می‌نمودند، از جمله این افراد صاحب الزنج بود و احتمالاً ابوسعید گناوی که از احساسات و علقوه دینی مردم بهره

* استاد محمد رضا حکیمی در کتاب امام در عینیت جامعه، شیوه‌های مبارزه الله را مطرح و تحلیل نموده است، اگر چه صاحب‌الزنج و یا ابوسعید گناوی، خود را مساوات طلب نماید و حقیقی علی بن محمد صاحب الزنج، داعیه سیادات و مهدویت داشت، اما این حرکتها قابل مقایسه با مقاومت پیشوایان شیعه نیست و بدین سبب است که امام یازدهم و دور گرامی ولی عصر (ع) فرمودند: «صاحب الزنج ازما نیست» چنانچه امام جعفر صادق^(۱۴) سیاست افراط گرایانه ابومسلم را نهیتید و آینده مبارزه ابومسلم خالل، بکرین ماها، سلیمان بن کثیر، ابومسلم را تاریک می‌دید و از قضای روزگاریان رهبران انقلاب خراسان که در براندازی بنی‌امیه نقش محوری و اساسی داشتند یکی پس از دیگری بدست عباسیان سرنگون شدند و عملاً مبارزه مردم ایران علیه ستم بنی‌امیه در سال ۱۳۲ هجری بی‌نتیجه ماند و دوباره حاکمان ستم باره و زورمند برمردم مسلط شدند.

و دستان نهاده‌اند و از مظلومیت آل علی^(۱۵) جهت تحقیق اهداف سیاسی خویش استفاده نموده‌اند و به همت و تلاش خاندانهای بزرگ ایران (احتمالاً اهل بیوتات) برمسنده قدرت تکیه زدند و پس از استحکام کار، از هدم و قتل رجال سيف و قلم ایران خودداری ننمودند.^(۱۶) رفتار ناجوانمرد آنه عباسیان بالاپوش و بعدها با خاندان سهل و برمک، نشان‌دهنده خوی و خصلت ددمنشانه عباسیان است با مخالفان و بعدها نفوذ غلامان ترک که از خراسان بزرگ، معاوراء‌السنهر و ترکستان به بغداد آورده می‌شدند، زمینه‌های فساد و ارتشا را فراهم نموده و خلفای بغداد آلت فعل این غلامان نو مسلمان تازه به قدرت رسیده گردیدند. این غلامان که از تمکن مالی هم بی بهره نبودند، با استفاده از ضعف رأی و اندیشه خلفاً و نفوذ در دستگاه حکومت و خلافت بغداد، عملآ قدرت سیاسی و نظامی را درید اقتدار خویش داشتند ناگوارتر اینکه پارهای از فقهای دین فروش و مسند گزین، سیاست ضد دینی خلفای عباسی را توجیه نموده و درس کوب مردم با حکام بغداد، هم‌صدا بوده‌اند و بدین سان مشروعیت سیاسی و دینی حکومت عباسیان از نظر مردم مورد تردید قرار گرفت.

قیام علویان طبرستان، مقاومت ائمه شیعه و طرفدارانشان^{*} و قیام صاحب‌الزنج و نهایتاً قیام ابوسعید گناوی، همه، قیام علیه موجودیت منحط و فاسد خلافت عباسی بوده است.

زراندوزی و دنیاطلبی حاکمیت عباسی، گسترش نظام زمین‌داری و محروم شدن روستاییان از زمین، ناامنی اقتصادی و مسلط شدن پارهای از نوادولتمندان بر جان و مال مردم و توجیه این اعمال توسط برخی از علمای دین و انتظار مردم در قیام مهدی^(۱۷) و بشارت مهدویت و اعتقاد به منجی و نجات‌دهنده، و ستم عمل حکومت بغداد، همه و همه از عوامل قیام ابوسعید گناوی بشمار می‌آید.

گناوی با المعتضد بالله، المکتفی پسر معتقد، و تمام دوران خلافت المقتندر فرزند معتقد و الراضی بالله و المتقی بالله معاصر بوده است.

انگیزه ترور ناگهانی ابوسعید به درستی روش نیست، عدمی آن را به ایادی خلافت بغداد نسبت می‌دهند و پارهای از نویسنده‌گان قتل وی را نوعی تصفیه درون حکومتی می‌دانند و روایت کرداند که ابوسعید گناوی درشت خوی و درشت گوی بوده است و با غلامان به تندي صحبت می‌کرد و احترام آنان را پاس نمی‌داشت. و همنین امر سبب شد تا غلامان اوراد حمام به قتل آورند.^(۱۸)

حکومت ابوطاهر گناوی

ابو طاهر گناوی در هنگام قتل پدرش ۶ سال داشت و مدت اقتدار ابوسعید چهارده سال بود. و در مدت صباوت و^{۱۹}، شورایی از سپاهیان حکومت را در دست داشتند. و در ۱۶ سالگی رهبری نهضت قرامطة را به دست گرفت.

اعمال و کارهای ابوطاهر گناوی تند و افراطی بود و مغایر با اعتقادات مردم. و به همین جهت، کارهای وی سبب انزعاج مردم از وی شد از جمله حمله به کاروان حاجج و گرفتن غنائم (حوادث سالهای ۳۱۲ به بعد).

آزار و تأذی زایران خانه خدا و غارت اموال آنان بوسیله قرامطة در دنیای اسلام آن روز منعکس شد و بدستور خلیفه، ابوالقاسم یوسف بن ابی الساج، جهت تصرف شهر واسطه و مبارزه با ابوطاهر گناوی گسیل شد، اما ابی الساج با آنکه فرمانده نظامی با اقتداری بود

* ملا ریون حجرالاسود توسط قرامطة بحرین در سال ۳۱۷ که آن را به قطیف و لحساً آوردند، سبب شد که دستگاه حکومت عباسیان علیه آنان مبارزه سختی را شروع کند و به روایت یاقوت در معجم البلدان، قرامطة سنگ را ۲۱ سال نکھاشتند و سرانجام با وساطت خلیفه فاطمیان به مکه عودت دادند.

می‌بردماند.^(۱۳)

داستان زندگانی و مبارزات ابوسعید گناوی (ابوسعید حسن بن بهرام گناوی) علی‌رغم اطلاعات و آگاهیهای مبسوط و گسترده، هنوز هم در برده سوال و ابهام است. و مورخان مخالف نیز از سرکوب فرهنگی آن خودداری ننموده‌اند.*

حسن بن بهرام گناوی در سال ۲۵۵ یا ۲۵۴ در گناوه چشم به جهان گشود و شغل اصلی وی آسیاب بانی بود و دقاق لقب داشته است^(۱۴). قیام وی در سال ۲۸۶ شروع گشت و این سال مورد تأیید طبری است^(۱۵). وی همزمان با معتقد خلیفه عباسی بود که خلیفه عباس بن عمر غنوی را به دفعه ابوسعید گسیل داشت و این نبرد در حوالی بصره روی داد و عباس بن عمر هزیمت یافته و به بصره فرار نمود.

در نبرد سال ۲۹۰، انقلابیون قرامطة شکست سختی بر سپاه خلیفه در نزدیکی بصره وارد آوردند^(۱۶). البته تبلیغات دستگاه خلافت بغداد علیه نهضت انقلابی ابوسعید گناوی ادامه داشت و تا آنجا که این حقوق در سفرنامه‌اش وقتی از نهضت ابوسعید یاد می‌کند برا او لعنت می‌فرستد و اورا مرید عبدان کاتب که داماد حمدان قرمط بوده است، می‌داند.^(۱۷)

تصرف لحساً و قطیف و تهدید بصره و حتی شهرهای خوزستان که بدون تردید خلافت بغداد را از نظر اقتصادی مورد تهدید قرار می‌داد، پیروزی سیاسی برای ابوسعید گناوی بود. در همین زمان، حرکت تشیع در اکثر مراکز پا می‌گرفت. از جمله نهضت فاطمیان مصر در شمال آفریقا نوعی تهدید جدی برای ساسیان بود.

اما قتل ناگهانی ابوسعید در سال ۳۰۰ یا ۳۰۱ هجری به دست دو غلام بلفاری و یا صقلابی در واقع ضربهای گران بر نهضت انقلابیون بحرین بود. و ظاهراً این دو غلام، ابوسعید را با تنبی چند از یاران او (از جمله برادران همسرش) در حمام به قتل آوردند. ابوسعید

گروه‌اند:

۱) گروه مخالف: حوزه تاریخ‌نویسی بغداد عصر عباسی.

۲) گروه موافق: حوزه تاریخ‌نگاری فاطمیان در قاهره.

مخالفان بیشتر طرفدار خلافت بغداد بوده و در واقع قلم در دست دشمنان قرامطه بوده است. در نتیجه روایات و نوشتہ‌های آنان بی‌غرضانه نیست و پراز ابهام و ایهام می‌باشد. و حتی اکثر مطالب و آثار متقدم در اصول مشابه‌اند، مثلاً ببغدادی در الفرق بین الفرق می‌نویسد که قرامطه از بساطینه‌اند و اینکه می‌می‌مون بن دیسان معروف به قداح کیش باطنیه را بنا نهاده و این دیسان را خلافت بغداد قرمطی و خارجی می‌دانست و همین بددادی اضافه می‌کند که این دیسان خود را در شمال آفریقا عقیل بن ابی طالب علیه السلام نامید و بعدها مشهور ساخت که از فرزندان محمد بن اسماعیل است.^(۲۱)

یا اینکه طبری قرامطه را منسوب به حمدان قرمط می‌داند که از اهالی کوفه بوده و لقب قرمط داشت.^(۲۲) و روایت ابن ندیم در کتاب الفهرست دیگر گون است که عبدالله بن می‌می‌مون معروف به قداح از اهالی توابع اهواز بود و عبدالله ادعای تتبی و پیغمبری داشته و اعمال شعبدیه عم انجام بی‌داده است و حمدان بن اشعث معروف به قرمط دعوت عبدالله را پذیرا شد و این حوادث در سالهای ۳۶۰ هجری اتفاق افتاد.^(۲۳)

مورخان موافق هم بر دو گروه‌اند: گروهی که دید مساعد با آنان داشتند، مانند ناصر خسرو قبادیانی که روایت او بباید و گروهی دیگر که خود از مبلغان قرامطه بوده‌اند در احوال و آیین قرامطه نوشته‌اند. در این زمینه می‌توان به تحقیقات استاد علامه پرسفسور برنارد لوئیس مراجعه کرد.

جنیش قرامطه هم از نظر تاریخی و هم گستره جغرافیایی دارای طیفی وسیع بوده تا آنجا که عباسیان

از قرامطه شکست خورد و این امر بر خلافت بغداد گران آمد.

در سال ۳۱۷ هجری قمری، ابوظاهر با سپاهیان سواره و پیاده بسوی حجاز شافت و محمد بن اسماعیل بن مخلب حاکم مکه از در مقابله در آمد و ابوظاهر در این نبرد پیروز شد و بعد به مکه وارد آمد و عده زیادی از مردم را به قتل آورد و حریم خدا را بشکست. ابوظاهر در کعبه اعمالی انجام داد که در دنیا اسلام سبب خشم و نفرت مسلمین شد، مثلاً درب حرم کعبه را که مطلا بود اکند و حجر الاسود را بشکست و آن را با خود به لحسا آورد و آن سنگ را ۲۲ سال در بحرین و لحسا نگهداری نمود و سرانجام با وساطت خلیفه فاطمی آن را به مکه باز گرداند.^(۱۹)

در این زمان قرامطه بحرین قوت و شوکت فراوان یافته بودند، اما اهانت به حجر الاسود و خانه کعبه سبب شد تا رابطه فاطمیان مصر و قرامطه بحرین تیره شود و خلفای فاطمی با آنکه خود معارض و مخالف با عباسیان بودند اما راه و رسم افراطی قرامطه را پذیرا نبودند و ظاهراً میان قاهره و لحسا اختلاف هم روی داده بود.

در سال ۳۲۵ هجری، الراضی بالله، خلیفه عباسی توسط ابن رائق، مشاور مالی خود، به ابوظاهر پیشنهاد کرد که هر سال مبلغ ۵۰ هزار دینار زر دریافت نموده مشروط بر آنکه متعرض کاروانیان نشود، و ابوظاهر نیز این مصالحه را به اقتضای سیاسی قبول کرد.

مرگ ابوظاهر به روایت مؤلف حبیب السیر در سال ۳۳۲ هجری قمری روی داده است.^(۲۰) و مدت اقتدار قرامطه بحرین ۶۴ سال بوده است.

حرکت قرامطه از دیدگاه تاریخ پیش از آنکه پیرامون اندیشمنها و اعتقادات نهضت قرامطه و ارزیابی آن گفته شود، لازم به یادآوری است: مورخانی که احوال انقلابیون قرامطه را آورداند بر دو

است؟

و سوم اینکه مراتبی ذر تشکیلات قرامطه و بعداً اسماعیلیه مطرح شد که ریشه قرآنی و اسلامی ندارد و اندیشه باطنی گری در میان قرامطه رسوخ یافت و بعدها گروهی از قرامطه معارض با اسلام شدند. اگر چه مبارزه عباسیان با قرامطه خصلت دینی و فکری داشت اماً واقعیت این است که اکثر طرفداران ابوسعید گناوه را روستایان، کشاورزان و پیشموران خردپایی متوسط تشکیل می‌دادند، گروهی که از نظر اقتصادی و مالی سخت در فشار و مضيق بوده‌اند.

اعمال نابغه‌دانه حکام ولایات تابعه خلافت عباسی و رفتار ظالمانه حکام و والیان، گرفتن مالیات‌های مضاعف، زراندویی به اصطلاح خلیفه که بر مستند اسلام و خلافت تکیم‌زده بودند، البته بدون انکاس باقی نمی‌ماند.

اسرار لا در مطالعه نهضتها دوجنبه مطرح است که یکی اصل، مبارزه است، و دیگری مشروعیت مبارزه. نهضت قرامطه بر اصول قابل احترام است، اما از نظر هدف و خصائص فکری و فرهنگی و حتی اعتقادی قابل سؤال و تأمل.

تردید نیست قیام سادات علوی و نهضت جوانمردان سیستان به رهبری یعقوب لیث صفار و قیام صاحب‌الزنج و حرکت انقلابی قرامطه بحرین و دیگر جنبش‌های بعدی، انکاس مبارزه و مقاومت مردم مسلمان ایران در برابر حکومت جور عباسیان بوده است. لذا قضاؤت و داوری برخی از نویسنده‌گان معاصر ایرانی و عرب کشورهای عربی پیامون قرامطه بحرین و قیام ابوسعید گناوه دور از شایعه‌های سیاسی و عاری از تشویب و یا تخدیش نیست و از نویسنده‌گان متقدم ناصرخسرو روشی ملایم‌تر و معتمد‌تر در برابر حرکت قرامطه پیش روی دارد.

وی می‌نویسد: «در لحسا، عدل و داد برقرار است، اگر کسی محتاج بود یا بدھکار، اورا دستگیری

هر گروه مخالف و معارض با خود را قرمطی می‌نامیدند و در حقیقت قرمطی گری صدای مخالف همه مخالفان با دستگاه عباسی بوده است.

یافتن نشانه‌های فکری و عقیدتی مشخص در اندیشه‌های ابوسعید گناوه مشکل است. و هنوز بدرستی معلوم نیست که مسأله غیبت اسماعیل فرزند امام جعفر صادق^(۴) را چه کسانی و با چه اهدافی مطرح و دنبال نموده‌اند، در حالی که فرزند امام ششم در زمان حیات پدرش از دنیا چشم فرو بست. واستشهاد وفات اسماعیل توسط امام جعفر صادق^(۴) نشان می‌دهد که فرد یا افرادی در جستجوی القای اندیشه‌هایی در میان مردم بوده‌اند و این زمانی است که نهضت ترجمه و القای افکار یونانی توسط عباسیان ترویج می‌گردد. و بغداد به عنوان رقیبی در برابر حوزه فرهنگی مدینه که پایگاه ائمه بوده است مطرح می‌شود. و شهر بغداد نیز پذیرای چنین اندیشه‌هایی هم بود، بدان روی که از دیرباز مرکز تجمع علمای مسیحی، سریانی، یهودی و زروانی بوده است.

در واقع عباسیان از راه انتشار افکار فلسفی و یونانی در جستجوی مقابله با خاندان پیامبر و امام جعفر صادق^(۴) برآمدند. و گروهی دهربی، زندیق و زروانی در بغداد جمع شده و حتی پارهای از آنان در درس امام ششم حضور می‌یافتد و با ایشان به مجادله می‌پرداختند که البته آن حضرت با استدلال و حجت جواب زنادقه را می‌دادند، تفصیل آن در متون تاریخی مضبوط است.

در اینجا چند مسأله قابل تأمل است: اول اینکه اسماعیل فرزند امام صادق^(۴) در زمان حیات وی در گذشت، پس چرا عده‌ای اصرار داشتند که او نمرده است و حی می‌باشد.

و دوم اینکه با مرگ اسماعیل، امام هفتم شیعیان یعنی امام موسی کاظم^(۴) تعیین گردید، بنابراین اصرار در امامت اسماعیل و فرزندش محمد به چه دلیل بوده

نهضت قرامطه جنبه‌ها و خصلتهای منفی هم داشت که عبارت است از:

- ۱- انجام برخی کارهای افراطی و توهین به اعتقادات مسلمین.
- ۲- نداشتن برنامه فرهنگی مشخص و منسجم.
- ۳- تجاوز به حریم حرم امن و خانه کعبه و شکستن درب بیت‌الله العرام.
- ۴- غارت کاروانهای تجاری و بازارگانی.
- ۵- نامن کردن راهها و جاده‌ها.
- ۶- کشتار زائران و حاجیان و تصرف اموال کاروانهای حجاج.

نهضت قرامطه در دیگر بلاد اسلامی از قرن سوم هجری به بعد، نه فقط در بین النهرین و خوزستان، بلکه در اکثر نواحی ایران و بلاد اسلامی مانند شمال آفریقا، ترکستان، یمن و شام، نهضت قرامطه پاگرفت و ظاهراً قرامطه ترکستانی اثری به نام «ام‌الکتاب» داشتماند که احتمالاً فی الحال اثری از آن موجود نیست.

البته عصری که این حرکت نشأت گرفت از حساس‌ترین ادوار تاریخ اسلام واپسیان است. قلمرو شرقی و غربی دنیای اسلام مستخوش دگرگونی‌های فکری و سیاسی بود. ایرانیان که با روی کار آمدند عباسیان انتظار نوعی مماثلت و ملاطفت را داشتند با مشاهده قتل ابومسلم و ناجوانمردی به خاندان برمک و شهادت بسیاری از فرزند زادگان خاندان پیامبر خصوصاً شهادت ائمه مظلوم شیعه، نسبت به سیاست و حکومت عباسی بدین شدند و عباسیان برای سرکوب حرکتها و نهضتها، از عنصر ترک در تشکیلات حکومتی بهره جستند و این زمانی است که از بخارا تا یمن و از اصفهان تا گناوه را نهضت قرامطه فرا گرفته بود و مباحثات علمی و کلامی در نحوه توجیه حکومت و یا اثبات اندیشه‌ها و آراء ادame داشت.

می‌کنند بدون اینکه از او چیزی بخواهد، اگر کسی غریب است و صنعتی نمی‌داند و سایل کسب و کار برایش فراهم سازند، آسیابها، بدون دریافت مزد، گندم رعایا را آرد می‌کنند، همه در صلح و صفات زندگی می‌کنند...»^(۲۴)

و گفتی است که برخی از مورخان مادی‌اندیش، متوجه شده‌اند که قرامطه «بلشویکان جامعه اسلامی» بوده‌اند، البته در این سخن باید اندیشه‌رو داشت، و اصطلاحات تاریخی را عجولانه بکار نبرد.

جنبهای مثبت و منفی نهضت قرامطه

نهضت قرامطه دارای جنبه‌های مثبت و منفی بود که در ذیل بگونه اختصار به هر دو جنبه اشاره می‌گردد. جنبه‌های مثبت و کارهای پسندیده آنها را می‌توان در زیر خلاصه کرد:

- ۱- تأسیس دارالله‌جهه یا شورای سیاسی، نظامی یا اجتماعی؛ رسیدگی به امور حکومتی و مسائل سیاسی.
- ۲- تشکیل گروههای صنفی جهت رفع نیازمندی افراد بیکار.

- ۳- مجبور کردن مردم به کار و حتی کار اجباری.
- ۴- استفاده مردم از آسیابها به صورت مشترک.
- ۵- عمومی کردن اموال و تأسیس بیت‌السماں دولتی برای همه.

- ۶- مبارزه با دستگاه خلافت عباسی.
- ۷- تصرف مکه به عنوان تبلیغ سیاسی (گرچه بی‌حرمتی به خانه کعبه عملی ناروا و نکوهیده بود).
- ۸- انعکاس و استمرار نهضت قرامطه در دیگر نواحی ایران.

- ۹- کمک به صنعت‌گران و اصناف در تأسیس کارگاهها و مصانع و مبارزه شدید با بیکاری و تشویق کشاورزان به کشت و فلات.
- ۱۰- مبارزه با زمین‌داران واسط و بصره و عمال خلافت عباسی.

احکام و مبارزه با بت پرستان، عازم مولتان و سومانات شد و در حقیقت، فتح سومانات بهانه‌ای بود تا سلطان محمود، نهضت قرامطه را در هند سر کوب تمايد و بعدها پاره‌ای از شاعران ابن‌الوقت دربارش، این حرکت به ظاهر دینی محمود را با سروdon اشعاری متلقانه توجیه نمودند.^(۲۷)

گفتنی است که برخی از نویسندهای معاصر براین نظر شدند که ابوسعید وابو طاهر گناوه در جستجوی احیاء دین زردشتی بوده‌اند و این توهم از آنجا حاصل آمد که قرامطه بحرین در برابر عباسیان ایستادند و تیز مخالفتشان به خانه کعبه.^(۲۸)

این حرکت سیاسی قرامطه بحرین، مورد تأیید فاطمیان مصر قرار نگرفت و همین امر یکی از عوامل کنار رفت مردم از اطراف ابوطاهر گناوه و نهضت وی بوده است.

سخن آخر

حرف آخر اینکه، فاطمیان مصر با تبلیغ تشیع اسماعیلی (هفت امامی) مخالف عباسیان بودند و همچنین از کارهای قرامطه بحرین خصوصاً ابوطاهر گناوه تیری می‌جستند، ولی عباسیان برای سرکوب همه اندیشه‌های اصلاحی و انقلابی، مخالفان خود را قرمطی نامیده و حتی فاطمیان مصر را از اعقاب این دیسان اهوازی می‌دانستند و تا آنجا که در اوایل قرن پنجم (احتمالاً سال ۴۰۱ یا ۴۰۲ هجری) خلافت عباسی برای سرکوب نهضت انقلابی قرامطه و مبارزات اسماعیلیه که سراسر دنیای اسلام را فرا گرفته بود محصر یا روزنامه‌ای (جریده) از علمای اهل سنت در بغداد تشکیل داد که علمای شرکت کننده در محضر، نکات ذیل را تأیید نمودند:

- ۱- نسب فاطمیان مصر به فاطمه زهرا علیها السلام نمی‌رسد.
- ۲- علوی بودن فاطمیان مصر کذب مغض است.

در همه بلاد اسلامی چند جریان وجود داشت که با هم به مقابله و معارضه می‌پرداختند:

۱- جریانات حامیان کلام و فلسفه در برابر طرفداران اخبار واحدیث.

۲- جریانات تشیع در برابر تسنن.

۳- جریانات مهدویت و مسأله امامت در برابر خلافت عباسی.

۴- مسأله امام غائب و اندیشه باطنی گری در برابر اصحاب حدیث و ظاهر.

۵- جریانات سیاسی و انقلابی در برابر حکومتها طرفدار خلافت عباسی.

۶- فراهم شدن زمینهای مقدماتی تشکیلات صنفی پیشوaran در برابر بازرگانان و سوداگران بزرگ.

در این میان قرامطه نه فقط در بعد سیاسی- دینی، بلکه در بعد فکری و فلسفی نیز به میدان آمدند و حتی در دستگاه حکومتی امرای محلی هم نفوذ پیدا کردند و مانند نفوذ اسماعیلیان در دربار سامانیان.^(۲۹)

ظاهرآ محمد نخشی (منسوب به شهر نخشب در ماروالله) که المقعن هم از اصل از آن شهر بود) از بنیان گزاران و مبلغان نهضت قرامطه در خراسان و ترکستان بوده است. در این رهگذر حکومتها محلی و یا منطقه‌ای جهت حفظ توازن سیاسی با نهضت قرامطه کنار می‌آمدند، مثلاً آل بویه که خود مذهب شیعی ائمۀ عشری داشتند به جهت تضعیف دستگاه عباسیان با قرامطه به معاشات رفتار می‌نموده‌اند.

قramerthe از نظر طیف جفرافیایی و حتی حوزه قدرت سیاسی، به چند شعبه تقسیم شدند:

۱- باطنی‌ها ۲- فاطمیان مصر، ۳- قرامطه

جنوب ایران، ۴- اسماعیلیه (قبل از حسن صباح عصر

حسن صباح و بعد از آن).^(۳۰)

در مولتان و بنجاب هند، عده‌ای از مردم به آیین قرامطه پیوستند که این امر سبب نگرانی سلطان محمود غزنوی گردید ولذا محمود به بهانه ترویج اسلام و تبلیغ

- ترجمه رضا تجدید، تهران، چاپ دوم، ۱۳۴۶، ص ۲۴۸ و ۲۴۹.
- نویختی، فرق الشیعه، ترجمه محمد جواد مشکور، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۳، ص ۲۴۷.
- ۶- برناردلوپس، تاریخ اسماعیلیان، ترجمه فریدون بدرمای، تهران، توسعه، ۱۳۶۲، ص ۵۱.
- ۷- استاد محمد معین، فرهنگ معین، قسمت اعلام من، ۱۴۴۹.
- ۸- طبری، تاریخ طبری، ج ۱۵، ص ۶۶۴۲، مقایسه شود با کامل ابن اثیر ۱۲، ترجمه فارسی، شهرستانی، ابو الفتح محمد بن عبد الکریم، المل والخل، به اهتمام سید محمد رضا جلالی نائینی، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۲۸. شهرستانی قرامطه را باطنی می داند و باطنیه را نام دیگر اسماعیلیه تلقی می کند: همان مأخذ.
- ۹- ابوسعید راگنابی و یاجنابی خوانده‌اند و منسوب به گناوه از شهرهای استان بوشهر، در خصوص جغرافیای تاریخی گناوه نکاه کنید به: معجم البلدان، یاقوت حموی، بیروت، ۱۹۵۶، ص ۱۶۵. فتوح البلدان، احمد بن یحییٰ بلاذری، ترجمه آذرش آذرنوش، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۴۶، ص ۲۶۰. نزه القلوب، حمد الله مستوفی، بکوش محمد دبیر سیاقی، تهران، طهوری، ۱۳۳۶، ص ۱۵۷. صورة الأرض، ابن حوقل، ترجمه جمفر شمار، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۴۴. تقویم البلدان، ابوالقداء، ترجمه عبد‌الله آیینی، تهران، بنیاد فرهنگ، ۱۳۴۹.
- ۱۰- ستاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پایانده، ۱۵۱، ص ۶۶۴۲.
- ۱۱- ذیح الله صفا، ذیران جانیاز، تهران، امیر کبیر، بخش ۲: قهرمانان استقلال ایران، ۱۳۶۱، ص ۶۱-۳۱۸.
- ۱۲- ناصر خسرو قیادیانی، سفرنامه، بکوش محمد دبیر سیاقی، تهران، طهوری، ص ۱۰۸-۱۱۰، و مقایسه شود با کتاب الفرقین بین الفرق، بغدادی، مصر، ص ۱۷۳، و کتاب النقض، عبد الجليل رازی، م، ۳۲۹-۳۳۷.
- ۱۳- دکتر صادق گوهرین، زندگانی جستالحق ابوعلی سینا، ۱۳۹۲-۳۳۰. ادواره برون، تاریخ ادبیات ایران، ترجمه فارسی، ج اول، ص ۵۷۸-۵۸۵. پیگولوسکایا و دیگران، تاریخ ایران از دوران باستان تا پایان سده هیجدهم میلادی، ترجمه کریم کشاورز، بخش ۲: نهضت قرامطه، تهران، پیام، ۱۳۵۴، ص ۲۱۲ به بعد. برناردلوپس، فدائیان اسماعیلیان، ترجمه فریدون بدرمای، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۸، ص ۱۵۳-۱۹۵.
- ۱۴- اصطخری، المسالک والمسالک، ص ۱۳۰، و مقایسه شود با بحر الفوائد، مولف مجهول، بکوش محمد تقی دانش پژوه، تهران، ترجمه و نشر کتاب ۱۳۴۵، ص ۳۴۷، و در کتاب مجهول المؤلف حدود العالم آمده است که ابوسعید گناوی ارد فروش بوده و به روایت طبری اغاز قیام وی در سال ۲۸۶ هجری بوده است.
- ۱۵- تاریخ طبری (تاریخ الرسل والملوک)، ترجمه ابوالقاسم پایانده، ج ۱۵، ص ۶۹۶-۷۰۷.

۳- فاطمیان از اعقاب این دیسان اهوازی هستند.

۴- قرامطه شیعه نیستند و مذهبشان بر حق نیست.

و بدین سان خلافت بغداد از بنیاد نظام سیاسی- دینی فاطمیان مصر را زیر سوال برداشت که این حرکت تا تصرف بغداد توسط بساسیری ادامه داشته است.

در پایان لازم به تذکر است که نقل مقالات و مطالب اینجانب بدون اجازه کتبی از مجله وزین کیهان اندیشه منوع است.

یادداشتها:

- ۱- رک: علیبان طبرستان، سید کاظم روحانی، کیهان اندیشه، شماره ۲۱ (آذر و دی ۱۳۶۷) ص ۹۰-۱۰۰. نهضت صاحب السریع، سید کاظم روحانی، کیهان اندیشه، شماره ۲۲ (بهمن و اسفند ۱۳۶۷) ص ۸۱-۸۷.
- ۲- تحلیلی برنهضتی سیاسی دینی ایران، سید کاظم روحانی، کیهان اندیشه، شماره ۲۱ (آذر و بهمن ۱۳۶۷) ص ۸۸ و ۸۹.
- ۳- بهقه، ابوالفضل محمد بن حسین، تاریخ بهقه، تصحیح علی اکبر فیاض، چاپ دوم با فهرست لغات، مشهد، دانشگاه مشهد، ۱۳۵۶، ذکر بردار گردان امیرحسنگ وزیر رحمت‌الله علیه، ص ۲۲۱-۲۳۶.
- ۴- غلامرضا انصافیور، روند نهضتی ملی و اسلامی در ایران (از اسلام تا پورشا مسؤول)، ۱۳۵۹، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، بخش پانزدهم: نهضت اسماعیلیان، ص ۱۰۵-۱۰۵ با آنکه مؤلف محترم در خصوص تدوین کتاب به مبالغ فراوانی مراجعه نموده اما بررسی بسیاری از استدراکات کتاب جای سوال و تأمل دارد.
- ۵- قدیمی ترین کتابی که در زمینه قرامطه معلومات بدست می‌دهد محمد بن جریر طبری است، مؤلف تاریخ کبیر طبری، اطلاعات وی از نظر شاخت حرکتی‌های اولیه قرامطه قابل استفاده و مقید است اما این اطلاعات متفرق و پراکنده است نگاه کنید به تاریخ طبری ترجمه ابوالقاسم پایانده، تهران انتشارات بنیاد فرهنگ سابق ایران، تهران، ۱۳۵۶، ج ۱۵، ص ۶۶۴۲-۶۶۴۵، مقایسه شود با کامل، تألیف عزالدین علی بن الائیر، ترجمه مهیار خلیلی، تهران، ج ۱۲، ص ۲۸۰-۲۸۳، الفرق بین الفرق، ابومنصور بغدادی، تصحیح محمد جواد مشکور، جناب دوم، تهران، امیر کبیر، ۱۳۴۴، ص ۲۰۳. این‌التدبیر، الفهرست،

- ۲۱- بغدادی، الفرق بین الفرق، ترجمه محمدجواد مشکور، چاپ دوم، تهران، امیرکبیر ۱۳۴۴، خیزش، ۲۰۳.
- ۲۲- طبری، تاریخ طبری، ترجمه پاپانده، ج ۱۵، ص ۶۶۴۲-۶۶۴۵.
- ۲۳- محمدبن اسحاق ابن الندیم، الفهرست ترجمه رضا تجدد، ج ۴-۳۴۷، مقایسه شود با حبیب‌السیر خواندن سیر بااهتمام محمد دبیر، ص ۲۸۵.
- ۲۴- ناصر خسرو قیدیانی، سفرنامه، تهران، کتابخانه ملی، ص ۱۲۲-۱۲۶.
- ۲۵- حسن ابراهیم حسن، تاریخ‌الاسلام سیاسی (چاپ عربی) ج ۳، ص ۱۵۷.
- ۲۶- آی. برتس، ناصرخسرو و اسماعیلیان، ترجمه یحیی آردن پور.
- ۲۷- عباس پرویز، غزنویان و سلاجقه، تهران، قسمت فتح سومنات.
- ۲۸- درباره فرامطه و احیاء آینه‌مجوس نگاه کنید به: «ضتخانه دهخدا، شماره مسلسل ۷۱، تهران، ۱۳۴۱، ص ۲۲۱-۲۲۳».
- ۲۹- دکتر صفا در کتاب دلیران جانیاز بحث در زمینه حرکت‌ها و نهضت‌های ایران اسلامی را در سه بخش تلقینیم تدوین کرد: ۱- نهضت‌های ملی ایرانیان، ۲- قهرمانان استقلال، ایران ۳- نگاهان ایران، البته مطالب کتاب ایشان سیار قوی و متفق است اما این تقدیم‌بندی از نظر مطالعات تاریخی جای تأمل و نظر دارد. و حوزه مطالعاتی دکتر صفا، قوی‌تر از کتاب دوقرن سکوت دکتر زرین کوب می‌باشد که کتابی است احساسی. و نیز اثر دانشمند محترم عبدالرฟیع حقیقت به نام آزاداندیشی و مردم‌گرایی در ایران با آنکه اسم جاذب و جالبی است ولی با محتویات تاریخی کتاب چندان نزدیک نیست و نیز کتاب برخی بررسیها درباره جهان‌پنهان‌ها و جنبش‌های اجتماعی در ایران تأثیف احسان طبری تکب بعدی است و تحلیل مادی‌گرایانه از جریانات تاریخی دارد البته منابع اراکه شده در اثر قوی و دست اول است اما استمرارات ایشان ناصحیح و غیرمطلوب. و جالب اینجاست که عبدالجلیل رازی، مؤلف التفسیر می‌تواند قرط فرزند حمدان بود که حمدان آینه‌گیر داشت و وزیر بیزد گرد شهریار. در اینخصوص نگاه کنید به زرکلی، الاعلام، چاپ چهارم، ج ۶، ص ۳۵ و ۳۶. این مسکویه، تجارب الام، ج ۱ و تلبیس ابلیس، این جزوی و مقالات اسلامیین اشعری و خاندان توپختی از عباس اقبال.
- ۳۰- اسماعیل رائین، دریانوردی ایرانیان، ج ۱، ص ۲۹۲.
- ۳۱- صور قلارض، ترجمه جعفر شمار، ص ۶۲.
- ۳۲- مسعودی، استنبیه والاشراف، ص ۳۸۱، و مقایسه شود با خوانده‌میر، حبیب‌السیر، ص ۲۹۰.
- ۳۳- پتروفسکی، اسلام در ایران، ترجمه کریم کشاورز، تهران، پیام، خیزش، ۳۰۱.
- ۳۴- درباره احوال قرامطه بحرین نگاه کنید به: تاریخ اسماعیلیان، برناردلوپس، ترجمه فریدون بدرهای، اسماعیلیان در تاریخ، برناردلوپس، ترجمه یعقوب آزاد، تهران انتشارات مولی، ۱۳۶۳، ترجمه کتاب شرحون از اغلاط تاریخی است و پارهای از مطالب اثر گرانقدر برناردلوپس در این ترجمه نامطلوب و نامفهوم است آقای آزاد کسی از نویسنده‌گان و مترجمان کثیر التعریف است بسیار عجولانه ترجمه می‌کنند ترجمه آثار لستون در زمینه ساختار درونی حکومت سلاجقه و ترجمه کتاب تشکیل دولت صفویان می‌شل فراوی و ترجمه اسماعیلیان در تاریخ مشتی از خواراست. واژه قیام نامه‌ها بگذریم کسی وقتی دیگر و کلامی دیگر می‌خواهد. توپختی، فرق‌اللشیعه، ترجمه محمدجواد مشکور، تهران، بنیاد فرهنگ، ۱۳۵۳، روند نهضت‌های ملی و اسلامی در ایران، غلامرضا انصافی‌پور. پetroفسکی سه مقاله درباره بردگی، ترجمه سروش ایزدی، تهران، امیرکبیر ۱۳۵۶.
- ۳۵- عبدالریح حقیقت، نهضت‌های فکری ایرانیان، تهران، شرکت مؤلفان و مترجمان. آزاداندیشی و مردم‌گرایی در ایران، از همین مؤلف، تهران، انتشارات آزاداندیشان، چاپ اول، ۱۳۵۹.
- ۳۶- آدامتر، تuden اسلامی در قرن چهارم، ترجمه علیرضا ذکاوی قره‌گزلو، تهران، امیرکبیر، ج ۱۳۶۲، ج ۲. حسن ابراهیم حسن، تاریخ سیاسی اسلام، ترجمه ابوالقاسم پایانده، تهران، اسلامیه.
- ۳۷- ادوارد برون، تاریخ ادبی ایران، ترجمه علی پاشا صالح، تهران، کتابخانه این‌سینما. ذبیح‌الله صفا، تاریخ ادبیات ایران، ج ۱، کارل بروکلمان، تاریخ دول و ممل اسلامی، ترجمه دکتر هادی جزايری، ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۶۴، عدنان مزارعی، زندگی مسلمانان در قرون وسطی، تهران، مرتضی راوندی، تاریخ تحولات اجتماعی در ایران، تهران، شرکت سهامی کتابهای جیبی، ۱۳۵۸، از همین مؤلف، تاریخ اجتماعی ایران، ج ۲. محمد سرشار، تشمیع پایگاه انقلاب، تهران، مؤسسه رسا، خیزش، ۱۰۱، لفتخانه دهخدا، ذیل کلمه قرامطه، لحتا و گناوه.